

فصل‌نامه علمی - پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی

سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۱۱۰-۸۵

واکاوی جلوه‌های فراواقعیت در حکایت‌های عرفانی تذکره الاولیا،

اسرارالتوحید و کشف‌المحجوب با تأکید بر نمود عناصر سوررئالیسم

معصومه میرآب^۱

مسعود پاکدل^۲

سیما منصوری^۳

شهین قاسمی^۴

چکیده

این پژوهش، جلوه‌هایی از فراواقعیت در حکایت‌های عرفانی تذکره الاولیا، اسرارالتوحید و کشف‌المحجوب، با تأکید بر نمود عناصر سوررئالیسم را مورد واکاوی قرار داده است. فراواقعیت، در این نگرش، به مثابه ناتوانی ذهن در تمیز دادن مرزهای واقعیت و خیال تعریف می‌شود؛ عرصه‌ای که در آن، تخیل و امر شگفت، واقعیت را چنان در پرده ابهام می‌پیچند که تشخیص امرعادی از غیرعادی دشوار می‌نماید. این مقاله بر آن است تا با تکیه بر اصول سوررئالیسم، شاخص‌های فراواقعیت را در متون مذکور بررسی کند. شیوه نگارش نویسندگان این آثار به گونه‌ای است که عناصر فراواقعیتی حکایت‌ها، گویی تنها برای اهل سلوک و معرفت، نمود واقعی می‌یابند. در این راستا، ضمن بررسی و طبقه‌بندی این عناصر، حکایت‌ها بر اساس نشانه‌هایی چون تصادف عینی، امر شگفت، رویا، نگارش خودکار، آگاهی از ضمائر، آگاهی از غیب و پیشگویی، مورد تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و نمونه‌ها به عنوان شاهد، گویای جلوه‌های فراواقعیت و عناصر آن هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تذکره الاولیا و کشف‌المحجوب با بهره‌گیری از شگردهای گوناگون، حکایت‌ها را در قالب بیانی عادی و باورپذیر ارائه کرده‌اند، در حالی که در اسرارالتوحید، این عناصر فراواقعیتی بیشتر در قالب آگاهی از غیب و اشراف بر ضمائر متجلی شده‌اند.

واژگان کلیدی: فراواقعیت، سوررئالیسم، تذکره الاولیا، اسرارالتوحید، کشف‌المحجوب.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران. (نویسنده مسئول)

Masoudpakdel@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

تاریخ پذیرش

۱۴۰۴/۵/۲۰

تاریخ دریافت

۱۴۰۴/۲/۳۰

۱. مقدمه

این پژوهش به بررسی جلوه‌های فراواقعیت در متون عرفانی «تذکره الاولیا»، «اسرارالتوحید» و «کشف المحجوب» بر اساس اصول سوررئالیسم می‌پردازد. اشتراکات این متون با سوررئالیسم، به‌ویژه در شکستن مرز واقعیت و فراواقعیت، زمینه‌ساز پژوهشی نو است. کرامت‌ها، معجزات و اعمال شگفت‌انگیز عرفا، مصداق‌هایی از فراواقعیت در این متون هستند. در این مقاله، فراواقعیت معادل سوررئالیسم در نظر گرفته شده و ترکیبی از رویا، خیال، جادو و عناصر واقعیت و غیرواقعیت را شامل می‌شود. همچنین با استناد به متون مذکور، به بررسی فراواقعیت بر اساس اصول سوررئالیستی چون رویا، امر شگفت، تضاد عینی، نگارش خودکار، تصاویر سوررئالیستی و طنز می‌پردازد. سوررئالیسم، مکتبی روان‌شناختی است که به ذهن و ناخودآگاه انسان توجه دارد. سوررئالیست‌ها، با تلفیق واقعیت و رویا، در پی دستیابی به حقیقتی والاتر بودند که ذهن با کمک خیال و الهام به آن می‌رسد. آندره برتون، هدف سوررئالیسم را وحدت تضادها در ذهن انسان می‌داند و این پژوهش نیز در پی بررسی چگونگی برهم زدن ساختارهای ذهنی و ایجاد فضای فراواقعیت در متون عرفانی است.

۲- بیان مسئله

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل فراواقعیت بر اساس اصول و اندیشه‌های سوررئالیسم، به عنوان یکی از مکاتب تأثیرگذار غرب، می‌پردازد. در این راستا، به دنبال یافتن همانندی‌هایی بین متون عرفانی ادب فارسی و مکتب سوررئالیسم هستیم، با این امید که نگاهی نو بتواند دستاوردهای جدیدی را برای این حوزه پژوهشی به ارمغان آورد. مهم‌ترین نقطه مشترک بین متون عرفانی و سوررئالیسم، شکستن مرز میان واقعیت و فراواقعیت است. کرامات، معجزات، رفتار و کارهای شگفت و خارق‌العاده عرفا و افراد حاضر در حکایات، نمونه‌هایی از فراواقعیت به شمار می‌روند. در این پژوهش، فراواقعیت به معنای سوررئالیسم در نظر گرفته می‌شود و شامل تلفیقی از رویا، خیال، خواب، جادو،

اسطوره و عناصر واقعیت و غیرواقعیت است. با استناد به کتب عرفانی تذکره الاولیا، اسرارالتوحید و کشف المحجوب، تلاش شده است تا مطالب فراواقعیت از دل متون استخراج شده و بر اساس اصول سوررئالیسم در شش مبحث مورد بررسی قرار گیرند: رویا، امر شگفت، تصادف عینی، نگارش خودکار، تصاویر سوررئالیستی و طنز. سوررئالیسم به عنوان یک دیدگاه نو در ابتدای قرن بیستم، دریچه‌ای به روی ادبیات و هنر در اروپا گشود و با تأکید بر اهمیت رویا، خواب، تخیل و اتفاقات شگفت‌آور، به دنبال آمیختن واقعیت و رویا برای رسیدن به حقیقتی برتر بود. آندره برتون، هدف سوررئالیسم را کشف نقطه‌ای در ذهن انسان می‌دانست که در آن، تضادها به وحدت می‌گرایند. هدف این مقاله، بررسی نمونه‌ها و تشابهات فراواقعیت در متون عرفانی سه کتاب مذکور است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و مطالب با استناد به منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. سپس، بر اساس تحلیل و بررسی محتوا و موضوعات، به واکاوی چگونگی بازتاب تجربه‌های زیسته در این متون پرداخته شده است.

۳- سوالات پژوهش

۱. کدامیک از اصول فراواقعیت، در میان کتب عرفانی تذکره الاولیا، اسرارالتوحید و کشف المحجوب، برجستگی بیشتری دارند و فراوانی آن‌ها به چه میزان است؟
۲. چه مبانی و مؤلفه‌هایی در متون عرفانی تذکره الاولیا، اسرارالتوحید و کشف المحجوب، سبب ظهور نمونه‌هایی از فراواقعیت در بازگویی داستان‌ها و حکایات شده‌اند؟
۳. دلایل وجود داستان‌های مبتنی بر فراواقعیت در شیوه بازگویی و بیان داستان‌ها در این سه کتاب چیست؟

۴- پیشینه و ضرورت پژوهش

تذکره الاولیا، کشف المحجوب و اسرارالتوحید به عنوان متون برجسته عرفانی-ادبی، از زوایای گوناگون مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند. با این وجود ظرفیت‌های این آثار برای تحلیل‌های نوین همچنان باقی است. هدف این پژوهش، کشف ارزش‌های پنهان این متون

از طریق بررسی عناصر فراواقعیت و پیوند آن با هنر نویسندگان برای خلق اصول سوررئالیسم است.

مقاله «واقعیت و فراواقعیت تصادف عینی در شاهنامه فردوسی» (رضابیگی و همکاران، ۱۴۰۱) نیز به بررسی جلوه‌هایی از فراواقعیت در شاهنامه می‌پردازد و تمام مثال‌های تصادف عینی در شاهنامه را بیان می‌کند و سپس به تحلیل درستی و نادرستی این مطالب می‌پردازد.

مقاله «تشابهات صوری ادبیات سوررئالیستی در تذکره الاولیای عطار» (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۴۰۱) عناصر احتمالی مانند تداعی آزاد، عقل‌گرایی، نگارش خودکار و... را مورد بررسی قرار داده و در آن تکنیک‌ها و رویکردهای مشابه که احتمال دارد با مکتب سوررئالیسم در یک راستا واقع شده باشند را بازگو کرده است و مثال‌های محدود برای تصدیق کلام از کتاب تذکره الاولیا آورده است.

«پیشینه مبانی سوررئالیستی در ادبیات عرفانی» (مشتاق مهر رحمان، ویدا دستمالچی، ۱۳۸۹) هدف این مقاله بررسی مبانی سوررئالیسم و تأثیرات آن بر ادبیات، به ویژه ادبیات عرفانی، است. نویسنده تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه سوررئالیسم با تأکید بر ناخودآگاه، رویا و شکستن مرزهای واقعیت، به دنبال کشف حقایق عمیق‌تر و پنهان درونی انسان‌ها است.

مقاله «بررسی مبانی سوررئالیستی در تذکره الاولیای عطار نیشابوری» (زهره شبانی قهرودی، ۱۳۹۵) به شباهت‌های صوری و ظاهری میان مبانی و اصول سوررئالیسم و به سطحیات عرفانی، هزل، نگارش خودکار، جنون و خواب می‌پردازد و مبانی و انگیزه عرفانی عطار را از ذکر داستان‌ها و حکایات بازگو می‌کند.

مقالاتی نظیر «فراواقعیت در اسرارالتوحید و مناقب العارفین» (نوروزپور و جمشیدیان، ۱۳۹۵) به بررسی مفهوم فراواقعیت در حکایت‌هایی که از نظر مضمون مشترک هستند، می‌پردازد و سپس تفاوت‌ها و شباهت‌های این نمونه‌های مشترک را بازگو می‌کند.

پژوهش حاضر به بررسی جلوه‌های فراواقعیت با توجه به اصول سوررئالیسم در حکایات عرفانی سه اثر برجسته "اسرارالتوحید"، "تذکره الاولیا" و "کشف المحجوب" می‌پردازد و نخستین تلاش جامع در این زمینه است. این تحقیق با تکیه بر شش اصل اساسی سوررئالیسم، نمونه‌های فراواقعیت را تحلیل کرده و چارچوب نظری منسجم ارائه می‌دهد که درک عمیق‌تری از ظرفیت‌های پنهان این آثار را فراهم می‌کند. با توجه به نبود پژوهش مستقل، این مطالعه افق‌های جدیدی در ادبیات عرفانی می‌گشاید. این پژوهش با تحلیل دقیق ویژگی‌های سوررئالیستی و مستند کردن فرضیه‌ها، تفسیر نوینی از حکایات عرفانی ارائه می‌دهد که زوایای پنهان این آثار را آشکار می‌سازد. به طور کلی، این پژوهش سهم قابل توجهی در غنای مطالعات ادبیات عرفانی دارد و رویکردی نوآورانه ارائه می‌کند.

۵- تعریف سوررئالیسم

مکتب سوررئالیسم در نیمه اول قرن بیستم میلادی در اروپا شکل گرفت. این مکتب به واسطه شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان به وجود آمد و به عرصه ادبیات پا گذاشت. جنبش سوررئالیسم به رهبری آندره برتون و گروهی از شاعران و نویسندگان به وجود آمد که به دنبال تحقق ایده‌هایی از قافله دادائیسیم بودند. در سال ۱۹۲۴، سوررئالیسم به شکلی جهانی شناخته شد. آندره برتون در بیانیه نخست سوررئالیسم بیان کرد: «انسان موجودی خیال‌پرداز است و نمی‌تواند تخیلات را آزاد بگذارد و زبان می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای بیان سوررئالیستی عمل کند.» (سید حسینی، ۱۳۹۱: ۷۹۹) سوررئالیسم به طور کلی محصول تغییرات ناشی از جنگ جهانی اول و بحران‌های پس از آن و همچنین نتایج نامیدکننده دادائیسیم بود. (بیگز، ۱۳۹۲: ۵۴). این مکتب هنری به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های فروید قرار داشت و به تخیل، خواب و رویا تکیه می‌کرد. هدف آن ایجاد تحولات اساسی در ادبیات بود. سوررئالیسم بر پایه ایده بیان حقیقت اندیشه بنا شده و در پی جستجوی واقعیتی والاتر است که در لایه‌های زیرین جهان مادی پنهان شده است. (مرادی، ۱۳۹۹: ۱۰۴).

۵-۱- معنای لغوی و ریشه واژه سورئالیسم

«سورئالیسم در یک کلام برخورد روانی با ادبیات محسوب می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۹۱:۱۶۹). نخستین بار گیوم آپولینر فرانسوی این واژه را در نمایشنامه خود به کار برد. «سور» در فرانسه به معنی «روی» و «رنال» به معنای «واقعیت» است. بنابراین، «سورئالیسم» به معنای فراواقعیت است و به واقعیتی اشاره دارد که در ضمیر ناخودآگاه ما وجود دارد و تنها در اوهام، رویاها و آثار هنری تجلی می‌یابد. (همان، ۱۳۹۱:۱۶۹).

۵-۱-۱- فراواقعیت در تذکره الاولیا

بسیاری از داستان‌ها و حکایات حاکی از وجود عناصر فراواقعی هستند که به وضوح در متون عرفانی مشاهده می‌شود. روایاتی از شخصیت‌های صوفی نشان‌دهنده کرامات، معجزات و اعمال خارق‌العاده در اعصار گذشته است. در حکایات این متون، واقعیت و فراواقعیت گاهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تفکیک آن‌ها دشوار است. خوانندگان با توجه به باورهای شخصی خود مرز بین واقعیت و فراواقعیت را تعیین می‌کنند، به گونه‌ای که مطلبی ممکن است برای یک خواننده قابل پذیرش و برای دیگری نامعقول باشد. به عبارت دیگر، متون عرفانی عناصری فراتر از واقعیت ارائه می‌دهند که حوادث آن‌ها تلفیقی از واقعی و غیرواقعی است. در تذکره الاولیا، شگفتی‌ها و کرامات با بسامدی بالا ذکر شده و داستان‌ها گواهی بر این مضمون‌اند. این کتاب به حقیقتی کلی درباره تصوف و اعمال عارفان می‌پردازد و عطار با بیان مطالب، نوع‌نگرش زاهدان و عارفان را نمایان می‌سازد. او منطق وارونه‌ای را به تصویر می‌کشد که مطالب را به یاد ماندنی و قانع‌کننده می‌کند.

۵-۱-۲- امر شگفت

امر شگفت به رویدادهای خارق‌العاده‌ای اشاره دارد که تحت عنوان کرامات اولیا و مشایخ طریقت به تصویر کشیده شده است. عطار نیشابوری از تجارب عرفانی و شرح حال عرفا سخن می‌گوید و برای دستیابی به وضعیت فراواقعیت، از ساختار خاصی بهره می‌برد. موضوعاتی نظیر رویا، خواب و تصادف‌های عینی، ذهن خواننده را با دنیای عجیب روبرو

می‌سازد. سادگی و روانی متن به عطار این امکان را می‌دهد که شگفتی‌ها را به شکلی واقعی و قابل پذیرش بیان کند. وقایع غیرمنتظره و خارق‌العاده، خطر شک را در مخاطب از بین می‌برد و تصاویری عادی و روزمره را به چالش می‌کشد. عطار به دنیایی دیگر اشاره می‌کند و آن را با جزئیات زنده به تصویر می‌کشد. حکایت مناظره مالک و دهری که دست‌هایشان بر آتش گذاشته شد اما نسوخت. (عطار، ۱۳۸۹: ۶۹) یا داستان رابعه که با پف کردن روشنایی ایجاد کرد. (همان: ۹۴). همچنین بایزید بسطامی از فرشتگان سخن می‌گوید که از او سولاتی درباره علوم می‌پرسند (همان: ۱۷۷). زرین کوب اشاره دارد که حکایات کرامات نه تخیل محض‌اند و نه مستندات قوی دارند؛ بلکه بر قصه‌ها و نقل‌های رایج استوارند. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۴۹). کتاب تذکره الاولیا مملو از داستان‌های شگفت‌انگیز و عبرت‌آموز است که نمونه‌های آن به شرح زیر است:

برداشتن ردا از شانه شیخ در نماز و خشک شدن دست دزد (عطار، ۱۳۸۹: ۵۰۴)، ماجرای حسن بصری و پس دادن امان‌نامه در خواب و در بیداری آن نامه را در دستانش می‌بیند (همان: ۵۹)، داستان ابو عمر و فراموشی قرآن (همان: ۵۸)، معلق ماندن قنديل در هوا بدون ریسمان (همان: ۹۰)، داستان حاتم و خشک شدن دستش در طلبکاری که بیشتر از طلبش پول برمی‌دارد (همان: ۲۷۷)، سهل و سخن گفتن با شخص مرده در گور و جواب دادن مرده از درون قبر (همان: ۲۹۹)، آشامیدن آب از لیوان پیامبر و سرایت علم به بچه‌ای خردسال (همان: ۵۰)، در درون آتش رفتن شیخ ابونصر و نسوختن (همان: ۵۶۸)، نشستن احمد حواری در آتش و نسوختنش (همان: ۳۹۹)، بالا آمدن هزاران ماهی از آب و هر کدام دو دینار در دهان داشتند تا به مالک دینار بدهند (همان: ۶۷)، قدم گذاشتن ابراهیم در بادیه با شخصی و هر دو از آسمان طبق‌های آب و ماهی بریان و خرما آوردند (همان: ۵۳۵)، به سخن آمدن گوسفند و صحبت کردن با شخصی (همان: ۴۷)، تبدیل گشتن سنگ به زمرد (همان: ۱۴۸)، قرائت فاتحه و بالا آمدن سطل از چاه (همان: ۳۲۵)، پدیدار گشتن غذا از دو سکره (همان: ۱۴۴)، غذا دادن زنبوران به شخصی که چند روز هیچ نخورده بود (همان:

(۱۴۴)، دیدن مردگانی بر بالای کوه و تقسیم کردن ثواب فاتحه بینشان (همان: ۱۳۹)، فرستادن اژدها و پناه دادن شیخ در پوستین او (همان: ۱۶۶)، راه رفتن بر روی آب (همان: ۵۳۸)، تبدیل شدن انسان به آب زرد به دلیل پرسیدن سوالی درباره شرم (همان: ۱۵۶)، آب شدن پری برای پرسیدن سوال درباره حیا (همان: ۲۸۹). این نمونه‌ها نمایانگر عمق معرفت و حکمت در ادبیات اسلامی و اهمیت داستان‌سرایی در انتقال آموزه‌های معنوی و اخلاقی هستند. تحلیل حکایات شگفت‌انگیز نه تنها معیارهای واقعی را به چالش می‌کشد، بلکه امکان تصور دنیایی دیگر را برای خوانندگان فراهم می‌آورد. عطار با بهره‌گیری از این مطالب، به معرفی یک دنیای معنایی و حیرت‌آور پرداخته است که فراتر از واقعیت‌های عمومی است.

۵-۱-۳- نگارش خودکار

نگارش خودکار روشی مؤثر برای بیان خلاقیت ناخودآگاه است که به فرد امکان می‌دهد افکار و احساساتش را آزادانه بیان کند. سوررئالیست‌ها از این شیوه به‌عنوان ابزاری برای برون‌ریزی استفاده می‌کردند و به جستجوی تجربه‌های جدید می‌پرداختند. هدف این فنون، نمایاندن زیبایی‌ها و جوانب پنهان حقیقت است. در کتاب تذکره الأولیاء، نمونه‌های نگارش خودکار کمتر دیده می‌شود و بیشتر تمرکز بر شرح حال صوفیان و حکایات آنان است. حکایتی از ثور نشان‌دهنده این نوع از نگارش است که در آن ثور به غفلت وارد مسجد می‌شود و پس از هوش آمدن، در خود تأمل می‌کند. سپس بلند می‌شود، طپانچه‌ای بر روی خود می‌زند و مکرراً زیر لب تکرار می‌کند: چون به پای ادب در مسجد نهادی و در غفلت بودی، نامت از جریده‌ی انسان محو شد.» (همان: ۲۱۵). این روایت نماد رهایی ذهن از خودآگاهی عقل است، جایی که انسان به اعماق درون و ضمیر ناخودآگاه خود دسترسی می‌یابد. مصداق دیگر معراج شیخ بایزید است که به مدت سی‌هزار سال در وحدت، سی‌هزار سال در فردیت و سی‌هزار سال در الوهیت سیر کرده است. (همان: ۲۱۵) همچنین داستان بوحفص و شنیدن صدای قرآن توسط فرد نابینا، که موجب از خود بی‌خود

شدن او می‌شود، توضیح دیگری از تجربیات عارفان است (همان: ۳۵۸). این حکایات به وضوح نمایانگر عمق تجربیات ناخودآگاه و سفرهای روحانی افراد هستند که در معنای واقعی به کشف حقیقت می‌پردازند.

۵-۱-۴- اشراف بر ضمائر

عارفان و اولیا به عنوان فرستادگان خداوند برای هدایت بشر انتخاب شده‌اند و دارای کرامت‌هایی از جانب پروردگار هستند. آن‌ها قادرند آنچه در دل افراد می‌گذرد را درک کنند و به ضمائر آنان اشراف یابند. در این راستا، داستان‌هایی در کتاب تذکره الأولیا موجود است که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. به عنوان نمونه، در ذکر یحیی معاد آمده است: «برای جماعتی چهار هزار نفری قرار بود مجلسی بگویند. بر بالای منبر آمد و خوب نگاه کرد و فهمید که کسی که قرار است سخن بگوید، حاضر نیست و از منبر پایین آمد.» (همان: ۳۳۴). حکایت دیگری مربوط به مردی است که نزد احمد خضرویه آمد و درخواست رهایی از گرفتاری خود را داشت. شیخ به او شغل دزدی و راهزنی را پیشنهاد می‌کند. (همان: ۳۲۵). عرفا به دلیل آگاهی از عاقبت امور و نتایج آن‌ها، می‌توانند به هدایت مردم بپردازند. شیخ می‌داند که این شغل در شأن او نیست، اما به دلیل آگاهی از نتایج کار و اهداف رهایی مرد، این راه را به او پیشنهاد می‌دهد. مثالی دیگر از این نوع شناخت، لمس بایزید بر روی دیوار و نمایاندن دریای بی‌نهایت و همچنین علم او نسبت به نان نجسی است که ابراهیم خورده بود. (همان: ۱۷۸). مصداق دیگر شامل قرار دادن دست‌نوشته‌های شیخ علی ترمذی در آب و فردی است که باید آن‌ها را به آب می‌انداخت، اما این کار را نکرد. شیخ بدون پرسش از او خطاب به وی گفت: «چرا آن‌ها را به آب نینداختی؟» (همان: ۴۶۹). این داستان‌ها به وضوح نشان‌دهنده اشراف عارفان بر ضمائر و درک عمیق آن‌ها از واقعیت‌های درونی انسان‌ها هستند.

۵-۱-۵- طنز

عطار برای انتقال پیام‌های خود به‌طور غیرمستقیم و کنایه‌آمیز از طنز استفاده می‌کند،

زیرا این شیوه به جذابیت و عوام‌پسندی اثر می‌افزاید. طنز در آثار او از نوع عرفانی و سیاسی است و نمونه‌های فراواقعی با رگه‌هایی از طنز را شامل می‌شود. در این کتاب، عنصر تضاد به‌طور برجسته‌ای در حکایت‌ها دیده می‌شود. در حالی که طنز در این اثر به‌ندرت به کار رفته است اما یکی از کارکردهایش، تربیت اخلاقی است. طنزهای فراواقعی معمولاً با خنده و کنایه همراه بوده و شامل متناقض‌نما، تمثیل و تضاد می‌شوند. به عنوان مثال، در حکایتی خواجه مهمان دعوت می‌کند و سپس از آمدن او پشیمان می‌شود. همچنین، صحبت با سگ نیز عملی غیرواقعی است. (همان: ۳۴۹). این داستان‌ها به صورت تمثیلی ارائه می‌شوند تا به راحتی مورد قبول مردم قرار گیرند و تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارند. در حکایت دیگر، ابراهیم ادهم روزی بر سر چاهی رفت و دلو را به آب انداخت و آن را پر از زر و مروارید یافت. او با آگاهی از فریبندگی این ثروت، دعا کرد: «الهی بر من چه چیزهایی عرضه می‌کنی؛ می‌دانم که تو توانا و قادر هستی، اما به این چیزها فریفته نمی‌شوم. آب ده مرا تا طهارت کنم» (همان: ۱۳۳). حکایت دیگری درباره هم‌نشینی با عقرب، که نماد دشمن است، این پیام را منتقل می‌کند که حتی اگر نیت هم‌نشینی خوب باشد، هرگز نباید با موجودی موزی هم‌نشین شد. (همان: ۵۲۳). عنصر تضاد در اینجا به وضوح نمایان است؛ چراکه عقرب به‌طور غریزی نیش می‌زند و تفاوتی بین دوست و دشمن قائل نمی‌شود. نمونه‌های دیگر طنز در حکایات شامل گفت‌وگو با اهل فید و فقدان مستمع، هم‌نشینی شیخ نوری با شیطان و گریه بر حال او (همان: ۴۲۲)، داستان خیر نساج (همان: ۲۲۵)، و داستان ابوسفیان و شاگردانش (همان: ۲۲۰) است. طنزپردازی به‌عنوان یکی از شیوه‌های مطرح در بیان مسائل انتقادی جامعه، به‌وسیله طعنه و خنده دردها و چالش‌های موجود در جامعه را نشان می‌دهد.

۵-۱-۶- تضاد عینی

مفهوم «تضاد عینی» در تذکره‌الاولیا عطار به واقعیت‌های غیرمنتظره و معجزه‌آسا اشاره دارد که آرزوهای عارفان به شکلی ملموس تجلی می‌یابند. به همین دلیل،

سوررئالیسم نیز به گسترش تعریف واقعیت و آزاد کردن تخیل می‌پردازد: «سوررئالیسم صرفاً تصویری خیره کننده نیست، بلکه دغدغه آن آزاد کردن تخیل و گسترش دادن تعریف واقعیت است.» (بیگز، ۱۳۷۶: ۹۶). هر دو مفهوم به ما یادآوری می‌کنند که واقعیت می‌تواند ابعاد غافلگیرکننده‌ای داشته باشد و تخیل و ایمان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در داستان ابوحفیض، این صوفی به ناگاه گوسفند بریان را که آرزویش بود، می‌بیند. (عطار، ۱۳۸۹: ۲۴). این روایت پیوند عمیق بین عالم غیب و خواسته‌های انسانی را نشان می‌دهد. همچنین در حکایت ابراهیم ادهم که در جستجوی کباب بریان است، ناگهان آن را می‌یابد. (همان: ۳۵۹)، نشان‌دهنده این است که نیات قلبی می‌توانند به سرعت و شکل عینی برآورده شوند. این تصادف‌های عینی در تذکره‌الاولیا تعامل عمیق میان اراده انسانی و الهی را نمایان می‌سازند و نشان‌دهنده هم‌سویی جهان معنوی و دنیای مادی هستند.

۵-۱-۷- خواب و رویا

خواب یکی از مباحث مهم در عرفان است. عارفان بر بیداری دل تأکید داشتند تا روح خود را با عالم غیب متصل کنند. رویا در نزد آنان ابزاری برای انتقال پیام‌های اخلاقی، هشدار، آگاهی از غیب و پیش‌بینی آینده بود و همچنین انعکاسی از اندیشه‌ها و آرزوهای عارفان به شمار می‌رفت. خواب‌های عارفان با عناصر مافوق طبیعی، صحنه‌های فراواقعی و عدم مرز میان واقعیت و خیال مشخص می‌شود. سوررئالیست‌ها نیز به رویا اهمیت می‌دادند و خواب را حقیقتی می‌دانستند که از سرچشمه حقیقت ناشی می‌شود. آنان سعی می‌کردند داده‌ها و یافته‌های ضمیر ناخودآگاه خود را ثبت کنند و خود را در حالت رویا قرار دهند تا واقعیت جدیدی را استخراج کنند. نمونه‌هایی از این خواب‌ها شامل حکایت عبدالله است که با وجود عدم موفقیت در رفتن به حج، در خواب می‌بیند که ثواب سفر حج برایش نوشته شده است. (همان: ۲۰۸). همچنین، شکستن کوزه‌ها در خواب و واقعیت آن در بیداری، از دیگر مثال‌هاست. (همان: ۲۸۸).

۵-۱-۸- تصاویر سوررئالیستی

در سوررئالیسم، آزادی از قیدهای منطقی در ادبیات و هنر دارای اولویت است. «تصویر سوررئالیستی به منبعی ناشناخته متصل است که هرچه بیشتر پیش می‌رود، با عالم ناشناخته‌تری پیوند می‌خورد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۱۶). این ارتباط موجب شکل‌گیری تصاویری می‌شود که درک و فهم آن‌ها بخصوص در برخی موارد دشوار و گاهی ناممکن است. تصاویر سوررئال وابسته به ایده‌ای معین نیستند و هرچه مبهم و تودرتو باشند، اهمیت و تأثیر بیشتری دارند. این تصاویر نیازی به درک روشن ندارند و «منطق این تصویرها در ناخودآگاه است، مانند برخی از تصاویری که در رویاها می‌بینیم.» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۷۵). در تذکره‌الاولیا عطار نیز می‌توان به تصاویر سوررئالیستی اشاره کرد که شامل عناصر مافوق طبیعی و صحنه‌های فراواقعی است. این تصاویر به شکلی عمیق، تجربه‌های عرفانی و بیداری روح را به غیرمادیت پیوند می‌دهند، در حالی که فراتر از قوانین منطقی عمل می‌کنند و به نوعی دنیای ناشناخته و معنوی را ثبت می‌کنند. نمونه‌هایی از تصاویر سوررئالیستی در «تذکره‌الاولیا» عبارتند از: حکایت داود طایی و فرار از مردگان (عطار، ۱۳۸۸: ۵۲۰)، که تصویری است که جز خود او، کسی نتوانسته است مشاهده کند و فراتر از حد انتظار است. دیگر نمونه، پدیدار گشتن آب در صحرا در یک لحظه (همان: ۵۳۶) و یا انگشت رابعه که همانند چراغ‌دانی می‌شود و تا صبح روشن می‌ماند (همان: ۹۴). همچنین نقش بستن کلمه «الله» با ریختن خون ابوبکر شبلی بر روی زمین (همان: ۱۳۳) و چرخاندن عصا در هوا و پدیدار گشتن زر (همان: ۲۸۹) از دیگر تصاویر شگفت‌انگیز است. تبدیل شدن تراشه‌های قلم به زر (همان: ۲۷۱)، روشن شدن یکباره خانه حبیب عجمی (همان: ۸۲) و خاموش نشدن هفتاد شمع (همان: ۳۳۱) نیز مثال‌های دیگری از این نوع تصاویری هستند. به پرواز درآمدن تخت به دور خانه (همان: ۱۴۸)، معلق ماندن مردی در هوا (همان: ۱۱۶) و سربرآوردن هزاران ماهی از آب دریا و سوزن در دهان داشتن (همان: ۸۲۳) از دیگر تصاویری است که تعجب برانگیز است. علاوه بر این، تبدیل شدن

آب دریا به طلا (همان: ۱۶۲)، به حرکت درآمدن کعبه و به استقبال رابعه رفتن (همان: ۹۱)، به حرکت درآمدن کوه (همان: ۱۳۲) و سربرآوردن هزاران ماهی از آب و داشتن گوهری در دهان (همان: ۱۴۵) نیز قابل ذکر هستند. نور عمودی از خانه نوری برخاستن (همان: ۶۸۳) به عنوان یکی از نمایش‌های شگفت‌انگیز دیگر مطرح است. تمامی این داستان‌ها حکایت از به تصویر کشیدن لحظات زیبا و شگفت دارند.

۵-۲- فراواقعیت در کتاب اسرارالتوحید

بررسی کرامات و سخنان ابوسعید ابوالخیر در کتاب اسرارالتوحید، با تکیه بر دیدگاه شفיעی کدکنی، ما را به مواجهه‌ای ظریف با مفهوم فراواقعیت در بستر تصوف می‌کشانند. اگرچه کدکنی معتقد است که ریشه‌های بسیاری از این کرامات را می‌توان در تاریخ تصوف پیش از ابوسعید یافت. «اگر بخواهیم از قرن پنجم تا به امروز کرامت و سخنان ابوسعید را مورد بررسی قرار دهیم و ریشه‌های تاریخی اش را پردازیم چیزی برای او باقی نمی‌ماند و همه آنچه که گفته است در تاریخ تصوف قبل از او وجود داشته است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۹)، اما نباید از این نکته غافل شد که ابوسعید با ذوق و نکته‌سنجی خاص خود، این مضامین را چنان در هم آمیخته که هویتی مستقل یافته‌اند.

در اسرارالتوحید، کرامات ابوسعید نه به عنوان رخداد‌های تاریخی، بلکه به مثابه ابزاری برای بیان نکات اخلاقی و معرفتی مطرح می‌شوند. «صدق و کذب این گونه قصایا، صدق و کذب منطقی نیست بلکه صدق و کذب هنری است.» (منور، ۱۳۶۶: ۲۱). این رویکرد، ما را از جستجوی صدق منطقی این حکایات برحذر می‌دارد. «بدانیم که ازدها سخن نمی‌گوید و هیچ شخصی از غیب اطلاع ندارد.» (همان: ۲۱) و بر نقش فراواقعیت به عنوان یک عنصر هنری و آموزشی تأکید می‌کند. با مقایسه فراواقعیت در اسرارالتوحید با مکتب سوررئالیسم، می‌توان دریافت که اولی بیشتر بر آگاهی از ضمائر و امور معنوی متمرکز است، در حالی که دومی به دنبال خلق تصاویر و تجربه‌های ناخودآگاه است. با این حال، هر دو رویکرد در پی فراروی از محدودیت‌های واقعیت مادی و گشودن فضایی برای تخیل و

شهود هستند. در متون عرفانی و تصوف، فراواقعیت با چاشنی اغراق و بزرگنمایی همراه است. این امر، نه به قصد فریب مخاطب، بلکه به منظور برجسته‌سازی مفاهیم و تاثیرگذاری بیشتر بر او صورت می‌گیرد. در این میان، تخیل نیز نقش مهمی ایفا می‌کند و مرز بین واقعیت و غیرواقعیت را درهم می‌آمیزد. «لذت بردن از تعالیم نهفته در آن است، به هیچ روی، به معنای پذیرفتن آن نیست.» (کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۷). کارکرد فراواقعیت در اسرارالتوحید، فراتر از صرف باورمند کردن مردم به کرامات ابوسعید است. این عنصر، به مثابه ابزاری برای تثبیت جایگاه و اعتبار او در میان منکران و مخالفان عمل می‌کند. شفیع کدکنی به درستی اشاره می‌کند که نباید به این توصیفات خارق‌العاده به چشم خرافات نگاه کرد، بلکه باید به زیبایی تصویرگری نویسنده و تاثیر آن بر مخاطب توجه کرد. به طور خلاصه، تحلیل فراواقعیت در اسرارالتوحید، ما را به درکی عمیق‌تر از نقش تخیل، اغراق و تصویرسازی در انتقال مفاهیم عرفانی می‌رساند. این رویکرد، نه تنها به شناخت بهتر ابوسعید ابوالخیر و اندیشه‌های او کمک می‌کند، بلکه دریچه‌ای نو به سوی فهم متون عرفانی و تصوف می‌گشاید.

۵-۲-۱- آگاهی از ضمائر

یکی از جنبه‌های برجسته و پرتکرار در روایات منقول از شیخ ابوسعید ابوالخیر، پدیده آگاهی از ضمائر یا توانایی اطلاع از افکار و نیات درونی افراد است. این ویژگی، که زرین کوب آن را «قدرت شگفت‌انگیز در خواندن فکر دیگران» توصیف می‌کند. «آنچه در دل و ذهن اشخاص می‌گذرد، آگاهی دارد. وی در خواندن فکر دیگران قدرت شگفت‌انگیزی دارد.» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۴۲)، به عنوان یک عامل متمایزکننده و فراواقعی در شخصیت شیخ تصویر شده است. در این روایات، شیخ ابوسعید قادر است بدون نیاز به بیان کلامی یا اشاره‌ای ظاهری، از سوالات ذهنی، خواب‌های درونی و پاسخ‌هایی که افراد در ذهن خود دارند، آگاه شود. این توانایی، به عنوان کرامتی خاص و منحصر به فرد برای شیخ ابوسعید مطرح شده است. مصادیق متعددی از این پدیده در حکایات مربوط به شیخ

ذکر شده است. از جمله، می‌توان به داستان «دستار طبری» اشاره کرد که شیخ از نیت صاحب دستار مبنی بر عدم بخشش آن آگاه می‌شود و این آگاهی منجر به آشکار شدن صدق کلام شیخ و رفع انکار از سوی فرد می‌شود. همچنین، حکایت «استاد اسماعیل صابونی» که شیخ پاسخ سوالات ذهنی او درباره احادیث را می‌دهد و موجب یقین او به اشراف شیخ بر اسرار درونی‌اش می‌شود «استاد اسماعیل صابونی گفت... بدانستم شیخ بر اسرارهای ما واقف است.» (همان: ۱۲۹)، نمونه دیگری از این پدیده است. علاوه بر این، روایاتی نظیر داستان‌های مربوط به انکار استاد از شیخ بر منبر (همان: ۸۴)، دست‌نوشته خواجه و پاسخ شیخ به سوال او (همان: ۱۰۸)، قصاب و گوشت بره (همان: ۱۰۹)، انگورهای پنهان‌شده (همان: ۱۲۴)، جامه‌شور و مزد ناتمام (همان: ۱۲۶)، حلوای نثارشده (همان: ۱۲۷)، اسرار خواجه بلفتج (همان: ۱۶۶)، سفر خواجه بلقسم و سخنان شیر (همان: ۱۶۶)، درزی و جولاهه (همان: ۱۸۴) و نجوای دل کدبانو ماهک (همان: ۱۸۵)، همگی بر این ویژگی فراواقعی شیخ ابوسعید تاکید دارند. به طور کلی این روایات نشان می‌دهند که آگاهی از ضمائر، به عنوان یک عنصر محوری در تصویرسازی از شخصیت شیخ ابوسعید ابوالخیر، نقش مهمی در تبیین جایگاه و اعتبار او در بین پیروان و منکران داشته است. حضور این عنصر فراواقعی در کنار زمینه‌های سوررئالیستی و عینی، موجب آگاهی از ضمائر در اسرارالتوحید، به عنوان یکی از کرامات و ویژگی‌های برجسته شیخ ابوسعید ابوالخیر، پدیده‌ای است که نشان‌دهنده توانایی شیخ در درک و فهم افکار، نیت و اسرار درونی افراد است. در مقایسه با مکتب سوررئالیسم، می‌توان گفت که آگاهی از ضمائر در اسرارالتوحید با رویکرد سوررئالیستی به ناخودآگاه و جهان رویاها تفاوت‌هایی دارد. سوررئالیسم، به دنبال کشف و بیان واقعیت‌های پنهان در ناخودآگاه و رویاها از طریق تکنیک‌هایی مانند تداعی آزاد، خودکارنویسی و خلق تصاویر نامتعارف است. درحالی که آگاهی از ضمائر در اسرارالتوحید، بیشتر بر توانایی فردی (شیخ) در درک و فهم افکار و نیت دیگران متمرکز است و لزوماً به کاوش در ناخودآگاه یا خلق تصاویر خیالی و

نامتعارف نمی‌پردازد. با وجود این، می‌توان شباهت‌هایی نیز بین این دو پدیده یافت. هر دو رویکرد، به نوعی به دنبال فراروی از محدودیت‌های واقعیت‌ظاهری و دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر و پنهان‌تر وجود هستند. سوررئالیسم این کار را از طریق کاوش در ناخودآگاه و رویاها انجام می‌دهد، در حالی که آگاهی از ضمائر در اسرارالتوحید از طریق شهود و بصیرت معنوی صورت می‌گیرد. برجسته‌تر شدن این ویژگی و ایجاد تصویری منسجم از قدرت و اشراف شیخ بر عالم درون و بیرون شده است.

۵-۲-۲- تسلط بر جاذبه زمین

در اسرارالتوحید روایتی از عزالدین محمود بن ایلباشی نقل شده که به تسلط شیخ ابوسعید ابوالخیر بر جاذبه زمین اشاره دارد. «امید سید بوعلی نقل می‌کند که در دوران جوانی به همراه پدرش به مجلس شیخ در خانقاه وارد شد. در حین سخنرانی شیخ، کودکی از بام می‌افتد، اما شیخ با گفتن "بگیرش" باعث پدیدار شدن دو دست در هوا می‌شود که کودک را بدون آسیب روی زمین می‌گذارند. سید علی نیز با سوگند، صحت این واقعه را تأیید می‌کند.» (منور، ۱۳۶۶: ۵۸). این روایت، با مضامینی چون پدیدار شدن دست‌های نامرئی، رنگ و بوی خیال و غیرطبیعی به خود می‌گیرد. نویسنده با بهره‌گیری از خیال‌پردازی‌ها و تصورات ذهنی، ارتباط خود را با داستان حفظ کرده و خواننده را با تلفیقی از واقعیت‌های روزمره و عناصر فراواقعی و تخیلی مواجه می‌سازد. این نوع روایت‌پردازی، مرز بین واقعیت و خیال را در هم شکسته و تجربه‌ای متفاوت از درک جهان را ارائه می‌دهد.

۵-۲-۳- طنز

«اسرارالتوحید» به طرز شایسته‌ای از طنز بهره‌برده و رفتار و کردار شیخ ابوسعید را با دیدگاه مثبتی به تصویر کشیده است. نویسندگانی که به توصیف ابوسعید و اوضاع او پرداخته‌اند، به ویژگی‌های اخلاقی او که نسبت به دیگر عرفا برتر بوده، اشاره کرده‌اند. ابوسعید بنا به طبیعت شعری و سماع خود، همواره مردم را به پند و اندرز دعوت می‌کرد و

رسالت خویش را به طور درست انجام می‌داد و تا جایی که می‌توانست، آن‌ها را به راه راست هدایت می‌نمود. شوخ‌طبعی ابوسعید بازنمایی از شخصیت اوست و در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند. این ویژگی بارز در کلام و کردار او تجلی می‌یابد و نشان می‌دهد که طنز در اعمال او همیشه حضور دارد. بهره‌مندی او از طنز به‌ویژه به منظور پیشبرد تعلیم و تربیت دینی بوده و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های او پرهیز از غرور و خودبینی است. به همین خاطر، شوخی‌های او غالباً بداهه و بازی‌های کلامی است که از تکبر دوری می‌کرد و بیشتر به آموختن تعالیم دینی می‌انجامید. به عنوان نمونه، در کتاب «اسرارالتوحید» حکایتی طنزآمیز روایت می‌شود: «آورده‌اند که یکی از مشایخ با جماعتی از صوفیان به ولایت روم رفته بود. روزی در محراب ابلیس را می‌بیند و می‌گوید: ای ملعون در اینجا چه کار می‌کنی؟ شیطان پاسخ می‌دهد که بی‌اختیار به اینجا آمده‌ام چون شیخ ابوسعید هنگام خروج از مسجد عطسه‌ای کرد و من بدین جا افتاده‌ام.» (همان: ۲۷۵). این بیان طنزگونه، عدم اراده شیطان را به طرز غیرمستقیم و با حالتی ناتوان به تصویر می‌کشد تا مخاطب به عمق حقیقت پی ببرد که بزرگی و قدرت شیخ چیزی فراتر از عالم واقع است و این قدرت از جانب خداوند به او عطا شده است. به طور کلی، طنز در این کتاب بیشتر به شکل تمثیلی دیده می‌شود و شامل بازی‌های کلامی و لفظی زیادی است و غالباً حالت انتقادی نسبت به وضعیت موجود جامعه دارد. طنز در «اسرارالتوحید» نوشته محمد بن منور نقد اجتماعی و انسانی را با ایجاد تناقضات بروز می‌دهد. در حالی که در سوررئالیسم به عنوان ابزاری برای شکستن مرزهای منطقی و کاوش در ناخودآگاه استفاده می‌شود، تا احساسات سرکوب‌شده را آزاد کند. بنابراین، طنز در هر دو مورد به شکل متفاوتی به بررسی واقعیت‌ها می‌پردازد.

۵-۲-۴- خواب و رویا

خواب دیدن از زمان‌های قدیم مورد توجه فلاسفه و به‌ویژه عارفان بوده است. در ادبیات عرفانی، خواب منبعی است که عارفان تجارب و کشفیات و حوادث آینده را در آن

می‌یابند. «تجاریبی که درباره عالم خواب به عمل آمده نشان داده است که فعالیت مغزی انسان از حالت بیداری فراتر می‌رود. در اثنای خواب، چه طبیعی و چه مصنوعی، اندیشه ادامه دارد.» (سید حسینی، ۱۳۹۳: ۸۳۷). همچنین در مکتب سوررنالیسم به رویا و تخیل و خواب اهمیت زیادی داده شده و بخشی از مبنای آن بر همین اساس پایه‌گذاری شده است. ویژگی خواب و رویا در آثار عرفانی به وضوح به چشم می‌آید و نشان‌دهنده خبر و حوادثی در آینده است، مانند آگاهی شیخ ابوسعید از مرگ خود. «خواب از جمله احوالی اسرارآمیز است و به بیان کیفیت و اسرار نهان آن، دیریاب و دست‌نیافتنی است. تعبیر و تحلیل رویاها از جمله پیچیده‌ترین و رازآلودترین مسائل و موضوعات بشری است» (گلی و رجبی، ۱۳۸۹: ۷۳). خواب در نزد شیخ از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بهره‌برداری زیادی از آن داشته است. حکایتی از حکیم بن محمد الابیوردی زاهد وجود دارد که سال‌ها در ریاضت و روزه به سر می‌برد. شبی در خواب شنید که هاتفی می‌گوید: «آن حدیث که شیخ بدان کار می‌کرد به حرمت پیامبر است و آن کاری که او کرده، تو نمی‌توانی» (منور، ۱۳۶۶: ۳۷۴). کارکرد خواب به گونه‌ای است که خواننده، اتفاقات غیرواقعی را واقعی می‌پندارد و آن را در زندگی عادی فرض می‌کند حکایت‌های دیگری نیز در باب خواب و رویا آمده است: خواب شیخ ابوسعید ابوالخیر در خواب بزرگان دین (همان: ۳۶۹) و مشاهده ابوالفضل شامی که شیخ را در خواب با قندی در دست می‌بیند که به هر کسی بهره‌ای می‌رساند و در پایان خواب، همه آنچه را باقی مانده در دهان خود می‌بیند (همان: ۳۶۹). همچنین سوال و جواب پرسیدن پیری در خواب از شیخ (همان: ۲۷۵)، دیدن پیامبر و تاج نهادن بر سر شیخ (همان: ۲۳۴) که به معنای اتمام حجت است، و ابوعلی عثمانی که می‌گوید پیامبر را در خواب دیدم و انگشترش را از دستش درآورد و به من داد (همان: ۲۳۴). امام الحرمین نیز در خواب منزلت خود و شیخ را از زبان پیامبر شنید که چه کسی حبیب خدای است و چه کسی خلیل خدای است (همان: ۸۷). در خواب، شیخ درخواست مجدد از بزرگان دین می‌کند تا به کار مردم رسیدگی کنند (همان: ۳۶۸).

۵-۲-۵- تصادف عینی

نمونه‌های تصادف عینی شامل خواب دیدن خواجه مرید و تقسیم کوه طوس به دو نیمه است که در نهایت به وقوع می‌پیوندد و شیخ به همراه یارانش به سمت نیشابور می‌آید (همان: ۶۰). در کتاب اسرارالتوحید، تصادف عینی در خواب رخ می‌دهد و بیشتر نمونه‌ها از کتاب تذکره الاولیا است، زیرا معمولاً در همان لحظه یا پس از مدت کوتاهی به واقعیت تبدیل می‌شوند. مثلاً دعوت در خواب و آمدن مرد جوان به شهری که شیخ فراخوانده بود (همان: ۱۸۶)، خواب عبدالله باکو که در آن هاتفی به او می‌گوید «قوموا و ارقصوا» و او به مسجد می‌رود و شیخ را در حالت سماع می‌یابد (همان: ۸۵)، دیدن شخصی از بزرگان در خواب از مشهد آدم و پیامبر که چهل سال بعد آن محل را به عنوان مشهد شیخ می‌بیند (همان: ۳۶۳)، و خواب بونصر شروانی که چندین بار به او گفته می‌شود به کمک شیخ برود و در نهایت این کار را انجام می‌دهد.

۵-۲-۶- آگاهی از غیب

آگاهی از غیب یکی از کرامات شیخ ابوسعید است و در کتاب، حکایات متعددی از آن ذکر شده است. او بر همه چیز آگاه بود. یکی از حکایات مهم، حکایت خواجه بلفتح است که در آن، شیخ سه روز پیش از وفاتش به فرزندان و نبیرگانش اطلاع می‌دهد که وفاتش در روز پنج‌شنبه خواهد بود و روز آدینه برای آنان زحمات زیادی پیش خواهد آمد و بر بالای جنازه‌اش نمی‌توانند حاضر شوند (منور، ۱۳۶۶: ۳۶۰). دیگر حکایات شامل ماجرای هریسه و آزمایش شیخ (همان: ۶۹)، کودک حلوا فروش (همان: ۹۹)، پیرشوگانی (همان: ۶۳)، قاضی صاعد و سینی بریان‌ها (همان: ۱۰۲)، پیرمرد طنبورزن (همان: ۱۲۹)، داروغه (همان: ۱۱۱)، خواجه حسین غنایی (همان: ۱۲۷)، درویش خواب‌آلود (همان: ۱۵۰)، حسن مودب و وام‌ها (همان: ۳۴۶)، و گریه شیخ نسبت به ابوطاهر (همان: ۳۶۸) است. این حکایات نمایانگر آگاهی و کرامات شیخ ابوسعید در دنیای غیب هستند.

۵-۲-۷- صحبت با حیوانات

در «اسرارالتوحید»، دو روایت درباره تعامل با حیوانات وجود دارد. در روایت اول، شیخ با آهوپی گفت و گو می‌کند که قصد قربانی شدن دارد، اما شیخ به دلیل وجود فرزندان آهو با این عمل مخالفت می‌کند (همان: ۱۸۲). در روایت دوم، خواجه علی فرمدی می‌گوید: شیخ در سفری به میهنه با اژدهایی عظیم‌الجثه روبه‌رو می‌شود. در حالی که اطرافیان می‌گریزند، شیخ به گفت و گو با اژدها می‌پردازد که هدفش دیدار با شیخ است. (همان: ۱۸۳). این گفتگوها نمادی از پیوند عمیق با طبیعت و عبور از مرزهای عقلانی است و این مفهوم با سوررئالیسم و فراواقعیت هم‌راستا است؛ هر دو به دنبال کشف واقعیت‌هایی فراتر از حواس و منطق هستند. سوررئالیسم از رویا و ناخودآگاه الهام می‌گیرد، درحالی که «اسرارالتوحید» ارتباط با حیوانات را راهی برای درک عمیق‌تر جهان می‌داند.

۵-۲-۸- صحبت با مردگان

ارتباط با مردگان از منظر عقلانی امری غیرممکن است؛ اما در باورهای عامیانه، چنین پدیده‌ای پذیرفته شده و با واقعیت درهم آمیخته است. در کتاب اسرارالتوحید، داستانی از ابوالفضل محمد بن احمد العارف النوقانی نقل شده است: وی می‌گوید شیخ در نیشابور، در مسیر رفتن به مراسم تدفین، بر مزار شیخ احمد طایرانی لحظاتی توقف کرد و به گفته‌ی خودش، به مدت یک ساعت با وی سخن گفت و به همین دلیل، لحظاتی درنگ نمود. (همان: ۲۷۸). این روایت، مشابهت‌هایی با تفکرات سوررئالیسم دارد که در جستجوی حقیقتی برتر از واقعیت مادی هستند و مرزهای رویا و واقعیت را در هم می‌شکنند. سوررئالیست‌ها تلاش می‌کردند تا از طریق تلفیق رویا و واقعیت، به درکی نو از هستی دست یابند. این روایت، در کنار سایر روایات مشابه، نشان از پذیرش و ادغام رویدادهای غیرعادی در بافتار باورهای مذهبی و عرفانی دارد.

۵-۳- کشف المحجوب در کشف المحجوب

در «کشف المحجوب»، هجویری از فراواقعیت برای بازسازی حقیقت از طریق ناخودآگاه بهره می‌برد. او با الهام از «تذکره الاولیا»، حکایت‌های شگفت‌انگیز را با تغییراتی

بازآفرینی می‌کند، رویکردی همسو با سوررئالیسم که مرز بین واقعیت و خیال را محو می‌کند. هجویری برای باورپذیر کردن داستان‌ها، از تخیل، رویا و تصاویر سوررئالیستی استفاده می‌کند و با تکنیک‌های بلاغی، وقایع خارق‌العاده را به‌عنوان تجربیات واقعی ارائه می‌دهد. او کرامات صوفیان را توصیف کرده و تأکید می‌کند که نباید آن‌ها را صرفاً به سحر و جادو نسبت داد، بلکه باید با درک عمیق‌تری به سنت‌های عرفانی نگریست. هدف هجویری، ارائه محتوایی قابل استفاده برای عموم و خواص است. در این کتاب، عناصر واقعی با عناصر خیالی ترکیب شده و خواننده در مرز واقعیت و خیال قرار می‌گیرد. هجویری با واقعی جلوه دادن موارد شگفت‌انگیز، فراواقعیت را به‌عنوان یک مفهوم عقلانی و معنادار در «کشف المحجوب» نمایان می‌کند.

۵-۳-۱- امور شگفت و خارق‌العاده

کتاب «کشف المحجوب» هجویری از داستان‌های شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای برخوردار است که به‌طرز جالبی تجربه‌های معنوی را به تصویر می‌کشد. به‌عنوان مثال، داستان مالک بن دینار که به توبه فراخوانده می‌شود (هجویری، ۱۳۰۴، ۱۰۸) و ماجرای ابوحامزه خراسانی که در چاه گرفتار می‌شود و اژدهایی او را نجات می‌دهد (همان: ۱۸۴)، از جمله این روایت‌ها هستند. این حکایت‌ها عناصر تخیلی و سوررئالیستی را با واقعیت تلفیق کرده و خواننده را به دنیایی از شگفتی‌ها و مرزهای آن می‌برند. داستان‌های ابوحنیفه آهنگر و سماع قرآن (همان: ۱۵۵)، نویی ثوبان و نوشتن نام الله پس از مرگ بر پیشانی‌اش با رنگ سبز (همان: ۱۲۴)، ماجراهای ابراهیم ادهم در بیابان خشک به مدت چهار سال (همان: ۱۳۰)، فراموشی یکباره تمام قرآن با دیدن یک شخص (همان: ۱۶۵)، سخنرانی برای اهل فید و تأثیر آن بر قنادیل شهر (همان: ۱۷۴)، وقوع هلاکت ابوجعفر و دو شیر که در نظر پادشاه ظاهر می‌شوند و مانع این کار می‌شوند (همان: ۹۳)، تبدیل سنگ‌ها در دست ابوالقاسم قشیری به گوهر (همان: ۲۸۷)، ثبت نام الله بر زمین با هر قطره خونی که بر آن می‌افتاد (همان: ۲۴۴) و تبدیل یکباره تمام درختان به زر (همان: ۲۸۷)،

نمونه‌هایی از روایت‌های تخیلی و عرفانی هستند که ذهن خواننده را به تفکر عمیق‌تری در مورد معانی و حقیقت‌های فراتر از واقعیت‌های معمول هدایت می‌کنند.

این داستان‌ها شالوده‌ای بر اساس تخیل دارند و ذهن خوانندگان را به سوی جهان‌های غیرمنطقی و واقعیت‌های فراتر از فهم عادی هدایت می‌کنند. این تجربیات عمیق، جنبه‌های عرفانی و باشیدگی درونی را معرفی می‌کند. امر شگفت در کتاب کشف المحجوب همانند داستان‌هایی است که در کتاب تذکره الاولیا بعدها آمده است. تصویرسازی‌ها و نحوه بیان مطالب همان گونه است و به عبارتی داستان‌ها با محتوا و مضمون‌های یکسانی هستند. درنهایت، هر یک از این متون، فراواقعیت را در قالب داستان‌ها و حکایات مختلفی چون خواب و رویا، آگاهی از ضمائر، صحبت با مردگان، و مهربانی با حیوانات به تصویر می‌کشند. به طوری که می‌توان گفت فراواقعیت نه تنها جزئی از قلمرو ادبیات عرفانی است، بلکه به عنوان یک پدیده علمی نیز درک می‌شود. این پیوند عمیق میان ادبیات عرفانی و فلسفه سوررئالیسم ضرورت بررسی و تحلیل بیشتری را در آینده می‌طلبد.

۵-۳-۲- زنده کردن و مهربانی با حیوانات

حکایاتی از مهربانی با حیوانات در روایات عرفانی دیده می‌شود. ابوالعباس قصاب نقل می‌کند که کودکی برای شفای پای شکسته شترش دعا کرد و شتر شفا یافت. (همان: ۲۰۳) این کرامت، گره‌ای در داستان می‌گشاید و نشان از قدرت اعمال فراواقعی دارد. در روایتی دیگر، احمد سرخسی از شیری می‌گوید که پس از کشتن شتر، سایر حیوانات درنده را خبر کرد تا از شکار بهره‌مند شوند. شیر حتی برای روباه لنگ هم صبر کرد و پس از او باقیمانده را خورد و گفت: «ایثار بر سگان کار حرامی است.» (همان: ۲۴۲). این داستان‌ها نشان می‌دهند که در روایات عرفانی، حیوانات نیز مورد توجه و مهربانی قرار می‌گیرند و رفتارهای خارق‌العاده در ارتباط با آن‌ها دیده می‌شود.

۵-۳-۳- اشراف بر ضمائر

آگاهی از ضمائر به عنوان یک کرامت و پدیده‌ای فوق طبیعی در تصوف مطرح است. اهل تصوف، از جمله ابوسعید ابوالخیرا، به شناخت اندیشه‌ها و افکار آدمی در ذهنش

آگاه‌اند. این نوع کرامت‌ها بیشتر در مورد ابوسعید و مشایخ دیگری که با فراست و تیزهوشی به اشراف بر ضمائر انسان‌ها پرداخته‌اند، مشهود است. در روایتی از ابوعلی دقاق آمده است که روزی پیری به مجلس او آمد و سوالی مطرح کرد: حال متوکلان چگونه است؟ دل ابوعلی به دستار آن پیر مایل شد و در پاسخ گفت: «طمع از دستار دیگران کوتاه کنی و دستار را بر روی زمین بزن» (همان: ۲۰۴). در حکایتی دیگر از شیخ بومسلم فارسی ذکر شده است: «با ابوسعید فضل الله خصومتی بود و قصد دیدار او را داشتم. دیدم بر سریری نشسته و پیراهن مصری بر تن دارد. به این فکر افتادم که او ادعای فقر دارد و من نیز دارای عزلت نشینی هستم. ناگهان او به افکار من آگاه شد و گفت: «ای ابومسلم، در کدام دیوان دیده‌ای دلی را که در مشاهده حق قائم باشد و بر او نام فقر بگذارند؟» (همان: ۲۰۶). در این داستان، آگاهی عمیق صوفیان از حال و باطن انسان‌ها به وضوح نشان داده می‌شود. همچنین در حکایتی از ابوعلی ابوالفضل بن محمد الفارابی آمده است که به خدمت شیخ ابوالقاسم علی الگرکانی رسیده و در حال دل مشغولی‌اش، از خضوع شیخ حیرت کرده است: «این خضوع من در عام است و طالبان مرا خاص باشند» (همان: ۲۱۱). این بیان عمیق به ظرافت روح انسان و آگاهی از باطن او دلالت دارد و نشان‌دهنده‌ی نقش عارفان در کشف و فهم اسرار درون بشر است.

۶- نتیجه‌گیری

قرن بیستم با شکل‌گیری مکتب سوررئالیسم یا فراواقع‌گرایی هم‌زمان شد. این مکتب به واسطه‌ی آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد و به دنبال بیان حقیقتی فراتر از واقعیت‌های ملموس بود. سوررئالیسم تحت رهبری آندره برتون و گروهی از شاعران و نویسندگان، تأکید بر ضمیر ناخودآگاه و تداعی آزاد افکار، رویاها و تخیل دارد. این جنبش به دنبال ایجاد دگرگونی در زندگی عادی و استفاده از عناصری چون خواب، رویا، و ناهمواری‌های عقلانی است. در این مقاله، آثار مهم عرفانی مانند «اسرارالتوحید»، «کشف‌المحجوب» و «تذکره‌الاولیا» مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهند که اصول سوررئالیسم با مبانی به کار رفته در این متون عرفانی ارتباط عمیقی

دارند. این کتاب‌ها حاوی حکایاتی شگفت‌انگیز و وقایعی هستند که فراتر از سطح معمول و در حقیقت به عنوان ابعاد فراواقعیت شناخته شده‌اند. نویسندگان این آثار، با استفاده از عناصر داستانی و تکنیک‌هایی چون رویا، تخیل، و نشانه‌های شگفت، در تلاش بودند تا دنیاهای خاص و روحانی را ترسیم کنند.

در این تحقیق، وابستگی میان فراواقعیت و حکایات عرفانی مشهود است. عطار، هجویری و محمد بن منور به خوبی توانسته‌اند با تمرکز بر کرامت‌ها و افعال شگفت‌انگیز، احساسات و تجربیات انسانی را در آثار خود به تصویر بکشند. به طوری که روزمرگی انسان مدرن، ناگزیر از انکار این کرامت‌ها است؛ چرا که بسیاری از این معجزات را از منظر عقل و منطق نمی‌توان درک کرد. نویسندگان با بهره‌گیری از زبان هنری که گاهی اوقات منجر به اغراق و مبالغه می‌شود، این تجربیات را برای مخاطب انتقال می‌دهند. نتایج به دست آمده حاکی از این است که فراواقعیت، جزء لاینفک متون عرفانی است و نمی‌توان آن را منکر شد. مطالعه کتاب‌های «اسرارالتوحید»، «کشف المحجوب» و «تذکره الاولیاء» نشان‌دهنده وجود مبانی فراواقعیت در این آثار است. نویسندگان هر سه کتاب، بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی خود، به خلق سبکی پرداخته‌اند که به وضوح به اصول سوررئالیستی نزدیک است. در واقع، بدون آگاه بودن به مفاهیم سوررئالیسم، پایه‌های آن را با شگردهای نویسندگی خود بنا نهادند. این کتاب‌ها دنیایی از تخیل و واقعیت‌های غیرعادی را به نمایش می‌گذارند. داستان‌ها و حکایات آنها اغلب بر بستری از فراواقعیت و امور فراطبیعی قرار دارند. با وجود عدم وجود مکتب سوررئالیسم در آن دوران، می‌توان شباهت‌های بسیاری را در شیوه نگارش و مضمون این آثار با اصول امروزی سوررئالیسم یافت. در نهایت، هر یک از این متون، فراواقعیت را در قالب داستان‌ها و حکایات مختلفی چون خواب و رویا، آگاهی از ضمیر، صحبت با مردگان، و مهربانی با حیوانات به تصویر می‌کشند. به طوری که می‌توان گفت فراواقعیت نه تنها جزئی از قلمرو ادبیات عرفانی است، بلکه به عنوان یک پدیده علمی نیز درک می‌شود. این پیوند عمیق میان ادبیات عرفانی و فلسفه سوررئالیسم ضرورت بررسی و تحلیل بیشتری را در آینده می‌طلبد.

کتاب نامه

- قرآن کریم.
- بیگزى، سى.و.اى (۱۳۹۲). دادا و سور رئالیسم. ترجمه: حسن افشار. چاپ هفتم. تهران: مرکز.
- ثروت، منصور (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب های ادبی. تهران: انتشارات سخن.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۸۲). نفحات الانس من حضرات القدس. تصحیح محمود عابدی. چاپ چهارم. تهران: اطلاعات.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵). جست و جو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۷). مکتب های ادبی. تهران: انتشارات نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۵). آنسوی حرف و صوت (گزیده اسرارالتوحید). چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). مکتب های ادبی. چاپ ۲. تهران: نشر قطره.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۹). تذکره الاولیا. تهران: انتشارات پیمان.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- محمد بن منور (۱۳۶۶). اسرارالتوحید. مقدمه و تصحیح و تعلیق دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول. تهران: انتشارات آگاه.
- هجویری، ابی حسن علی بن عثمان بن علی الجلابی (۱۳۰۴). به سعی و اهتمام و تصحیح والتین ژکوفسکی. در مطبه دار العوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مدینه محروسه لنینگراد.

مقالات

- گلی، احمد؛ رجبی، رقیه (۱۳۸۸) «خواب در شاهنامه». فصل نامه کهن نامه ادب پارسی، دوره ۱. شماره ۱. صص ۷۳-۹۲.

References

- Quran Karim.
- Attar Neyshabouri, Farid al-Din (2010). *Tadhkirat al-Awliya* (Memoirs of the Saints). Tehran: Peyman Publishing.
- Bigsby, C.W.E. (2013). *Dada and Surrealism*. Translated by Hasan Afshar. 7th Edition. Tehran: Markaz Publishing.
- Fotouhi, Mahmoud (2006). *The Rhetoric of Image*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Hujwiri, Abi al-Hasan Ali ibn Uthman ibn Ali al-Jullabi (1925). Edited and corrected by Valentin Zhukovsky. Published at the Dar al-Ulum Printing House of the Union of Soviet Socialist Republics in the Protected City of Leningrad.
- Jami, Abdul Rahman bin Ahmad (2003). *Nafahat al-Uns min Hadarat al-Quds*. Edited by Mahmoud Abedi. 4th Edition. Tehran: Etela'at Publishing.
- Mohammad ibn Monavvar (1987). *Asrar al-Tawhid*. Introduction, editing, and commentary by Dr. Mohammad Reza Shafiei Kadkani. 1st Edition. Tehran: Agah Publishing.
- Servat, Mansour (2006). *An Introduction to Literary Schools*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Seyed Hosseini, Reza (2008). *Literary Schools*. Tehran: Negah Publishing.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1996). *Beyond Word and Sound* (Selections from *Asrar al-Tawhid*). 2nd Edition. Tehran: Sokhan Publishing.
- Shamisa, Sirous (2012). *Literary Schools*. 2nd Edition. Tehran: Nashr-e Ghatreh.
- Zarrinkoub, Abdolhossein (1996). *A Search in Iranian Sufism*. Tehran: Amirkabir Publishing.
- Zarrinkoub, Abdolhossein (2004). *Iranian Sufism in Its Historical Perspective*. Translated by Mojdoddin Keyvani. Tehran: Sokhan Publishing.
- Articles
- Goli, Ahmad; Rajabi, Roghayeh (2009). "Sleep in the Shahnameh." *Kohan Name-ye Adab-e Parsi Quarterly*, Period 1, No. 1, pp. 73-92.